

مسیحیت در عهد ساسانی

(عملکرد دولت ساسانی در برخورد با مسیحیان ایران)

تألیف

وحید ذنوریان

صفحه‌آرایی: انتشارات رشد فرهنگ

طراح جلد: سجاد عباسی خانکهدانی

لیتوگرافی و چاپ: مرتضوی

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

آدرس انتشارات: تهران - نمایان - رتضای - بعد از تقاطع جیحون - پلاک ۷۰۶

تلف: ۶۶۳۰۲۵۱۰

Email: Roshdefarhang@yahoo.com



انتشارات رشد فرهنگ

سرشناسه	:	ذنوریان، وحید، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	مسیحیت در عهد ساسانی (عملکرد دولت ساسانی در برخورد با مسیحیان ایران)
مشخصات نشر	:	تهران، رشد فرهنگ، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۷۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۰۰۹۳-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	:	ف. ا.
موضوع	:	مسیحیت - ایران - تاریخ - ۲۲۶ - ۴۵۱ م.
موضوع	:	مسیحیت
رده‌بندی کنگره	:	BR ۱۱۱/۵۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی	:	۲۷۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۳۱۹۸۰۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: پیدایش مسیحیت، ورود و گسترش آن در ایران تا پایان عهد اشکانیان
۲۱	فصل دوم: ادسا (رها)، مرکز مسیحیت شرقی
۲۷	فصل سوم: ایجاد و تقویت نهاد دینی و زردشتی در اوایل عهد ساسانی
۴۱	فصل چهارم: وضعیت مسیحیان ایران از اردشیر بابکان تا پیش از روی کار آمدن شاهپور دوم
۵۵	فصل پنجم: مسئله ارمنستان و مسیحی شدن ارمنیان (۳۰۲ م)
۶۵	فصل ششم: بررسی عملکرد شاهپور دوم در برابر مسیحیان ایران
۸۱	فصل هفتم: مسیحیت در زمان انوشیروان شاهپور دوم
۸۵	فصل هشتم: مسیحیان ایران در شورای سلوکیه (۴۱۰ م)
۹۹	فصل نهم: از اعلام الحلال کلیسای ایران (۴۲۴ م) تا نبرد آوارایر (۴۵۱ م)
۱۱۵	فصل دهم: نقش روحانیان زردشتی در عملکرد ساسانیان نسبت به مسیحیان
۱۲۵	فصل یازدهم: بازنوا و نسطور، شدن کلیسای ایران در شورای بیت لایات (۴۸۴ م)
۱۳۳	فصل دوازدهم: وضعیت مسیحیان ایران پس از شدن کلیسای ایران
۱۳۷	فصل سیزدهم: وضعیت مسیحیان ایران از زمان خسرو تا پایان عصر ساسانی
۱۶۳	فصل چهاردهم: نقش مسیحیان ایران در روابط ساسانیان با روم
۱۷۱	نتیجه گیری
۱۷۳	کتابنامه

در سال ۲۲۶ میلادی اردشیر بابکان با غلبه بر اردوان چهارم آخرین شاه اشکانی، سلسله ساسانی را تأسیس کرد. اردشیر و جانشینانش خود را وارث هخامنشیان نمی‌دانستند و اشکانیان را غاصب حکومت معرفی می‌کردند. اردشیر برای ایجاد وحدت ملی و تمرکز و یکپارچگی ایران، که در زمان اشکانیان به صورت ملوک طوایفی اداره می‌شد، اهدافی چند را سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار داد. یکی از این اهداف حمایت و پشتیبانی از دین زردشتی و رسمیت دادن به آن بود که از زمان هخامنشیان در ایران وجود داشت، اما هرگز به عنوان مذهب رسمی در کشور مطرح نشده بود و هر چند پاره‌ای از شاهان سلسله‌های پیشین بسیاری از قواعد دین زردشتی را رعایت و اهوره‌مزدا را پرستش می‌کردند اما به طور کامل در صدد رسمیت دادن یا انتشار کلی آن در ایران بر نیامده بودند، ولی اردشیر چرن‌اساد و نیاکانش پشت در پشت ریاست معبد آناهیتا در استخر را بر عهده داشتند، از همان ابتدا توجه به دین زرتشتی و پیوند بین دین و دولت را مد نظر داشت و حتی در پیشبرد اهداف خود به منظور رسیدن به قدرت و تأسیس سلسله‌ی ساسانی از این مذهب و بزرگان آن، یعنی روحانیان زردشتی، استفاده کرد. رسمیت یافتن دین زردشتی، روحانیان این مذهب مورد توجه قرار گرفتند و قدرت زیادی در دستگاه ساسانی به دست آوردند. این روحانیان بسیار متعصب بودند و پیروان سایر دین‌ها را که در سرزمین ایران زندگی می‌کردند، محل اطمینان قرار نمی‌دادند. هم زمان با روی کار آمدن ساسانیان مذهبی چند در ایران وجود داشت. یکی از این مذاهب مسیحیت بود که در زمان اشکانیان به ایران وارد شده بود که به علت تسامحی که شاهان اشکانی نسبت به این مذهب اعمال می‌کردند، بسیار سریع در ایران انتشار یافت، طوطی که هم زمان با روی کار آمدن ساسانیان ۲۰ ناحیه‌ی اسقف نشین در ایران وجود داشت و مسیحیان مرکز تبلیغی مهمی در شهر الرها داشتند. اما روحانیان و برخی از وزرا و شاهان ساسانی از لحاظ دینی بسیار متعصب بودند و مطمئناً در برابر گسترش مسیحیت واکنش‌هایی را نشان می‌دادند که این واکنش بعد از رسمیت یافتن آیین مسیح در امپراتوری روم که رقیب سیاسی ساسانیان بود شدت گرفت.

این پژوهش دارای سه بخش است. این بخش‌ها را به طور خلاصه می‌توان اینگونه بیان کرد:

بخش اول: مسیحیت در ایران از آغاز تا روی کار آمدن ساسانیان

این بخش از دو فصل تشکیل شده است: موضوع فصل اول پیدایش مسیحیت، ورود و گسترش آن در ایران تا پایان عهد اشکانی. در این فصل به تولد عیسی مسیح، چگونگی تشکیل مذهب مسیحیت و تبلیغ این مذهب از طرف پیروان آن در سایر نقاط دنیا پرداخته شده است. یکی از این نقاط که از همان ابتدا مورد توجه مبلغین عیسوی قرار گرفت ایران بود. در این فصل همچنین به چگونگی ورود مسیحیت و مبلغین مسیح به ایران در عهد اشکانی پرداخته شده است که تا پایان عصر اشکانی ادامه دارد.

بخش دوم: وضعیت مسیحیان ایران از آغاز ساسانیان تا پایان روزگار بهرام چهارم

فصل دوم این بخش وضعیت مسیحیان ایران است از اردشیر بابکان تا روی کار آمدن شاهپور دوم. در این فصل به وضع مسیحیان ایران در زمان اردشیر و جانشینان او پرداخته شده است. این وضعیت در این دوران همراه با آرامش برای مسیحیان سپری شد. در فصل سوم این بخش به مسئله ارمنستان و مسیحی شدن ارمنان پرداخته شده است، در این فصل وضعیت کشور ارمنستان از ابتدای تاسیس سلسله ساسانی تا رسمی شدن مسیحیت در این کشور مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم این بخش وضعیت مسیحیان ایران در زمان شاهپور دوم مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل شامل رسمیت یافتن مسیحیت در سال ۳۱۳ م. نزدیکی مسیحیان ایران به روم، بدبین شدن شاهپور دوم نسبت به مسیحیان ایران به علت پذیرفتن مذهب مسیح توسط امپراتوری روم، که دشمن ساسانیان بود، و در نهایت شروع زج و آزار مسیحیان از این زمان بود. فصل پنجم در مورد وضعیت مسیحیان در دوران جانشینان شاهپور دوم تا یزدگرد اول است. این فصل شامل سیاست مدارا امیز جانشینان شاهپور (اردشیر دوم، شاهپور سوم و چهارم) با مسیحیان، و سعی این شاهان در ایجاد روابط دوستانه با روم است.

این بخش از هفت فصل تشکیل شده است، در فصل اول این بخش که مربوط به زمان یزدگرد اول است به تسامح یزدگرد در مورد مسیحیان و تشکیل شورای سلوکیه در سال ۴۱۰ م است که مسیحیان در این شورا قوانین و نظامات فرقه عیسوی شرق و عقاید مخصوصه آن را با قواعدی که در نزد عیسویان مغرب زمین بود تطبیق دادند. فصل دوم این بخش به نام استقلال کلیسای ایران در سال ۴۲۴ م تا نبرد آوارایر است. این فصل شامل آزار مسیحیان توسط بهرام پنجم، استقلال کلیسای ایران در زمان بهرام پنجم در شورای دادیشوع، و فشار ایران بر ارمنستان برای تغییر دین و در نهایت شورش ارامنه و شکست آنها در سال ۴۵۱ م می باشد. در فصل سوم به نقش روحانیان زردشتی در عملکرد شاهان ساسانی نسبت به مسیحیان پرداخته شده است. در فصل چهارم، نسطوری شدن

کلیسای ایران مورد بررسی قرار گرفته است، که در سال ۴۸۴ م در زمان پیروز روی داد. فصل پنجم در مورد وضعیت مسیحیان ایران بعد از نسطوری شدن کلیسای ایران در زمان بلاش و قباد اول و حمایت این پادشاه از مذهب نسطوری است. فصل ششم درباره اوضاع مسیحیان ایران از خسرو اول تا پایان عصر ساسانی است. در این فصل اوضاع مسیحیان ایران در زمان خسرو اول، صلح خسرو و روم و تأمین آزادی مسیحیان ایران، ساخت شهر وه آنتیوک خسرو توسط خسرو اول و انتقال جمعیت مسیحی انطاکیه به آن، شورش انوشکزاد پسر مسیحی خسرو اول، حمایت هرمزد چهارم از مسیحیان کشورش در برابر روحانیان، اوضاع مسیحیان در زمان خسرو دوم و جانشینانش و نزاع فرقه‌های مختلف مسیح مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل هفتم و پایانی این بخش به نقش مسیحیان در روابط ایران و روم که شامل جنگها، سفارتها و غیره می‌باشد اشاره شده است.

ساسانیان احسن حکومت ایرانی قبل از اسلام بودند که حکومت آنان پس از انقراض اشکانیان به مدت چهار قرن دوام یافت. در این چهار قرن شاهنشاهی ساسانی یکی از دو امپراتوری بزرگ جهان متمدن آن روز بود. این حکومت، فسیلی در زمینه‌ی سیاست، مملکت داری، دین و روابط سالم اجتماعی و هنر به وجود آورد که پس از انقراض سیاسی شان اثرات خود را در نسلهای بعدی و اقوام مجاور به طور بارزی نشان داد. در در شانسی قبل از ساسانیان، یعنی هخامنشیان و اشکانیان، هر چند زرتشتی گری وجود داشت و بیشتر شان از دو سلسله اهوره مزدا خدای بزرگ زرتشتیان را می‌پرستیدند، اما بسیاری از آداب و رسوم زرتشتی که توسط آنان اجرا نمی‌شد. اما با روی کار آمدن ساسانیان، دین زرتشتی به عنوان دین رسمی ایران برگزیده شد و اولین حکومت سیاسی - دینی قبل از اسلام در ایران شکل گرفت.

یکپارچگی و تمرکز، دین رسمی و پیوندهای سیاسی و دینی و زنجیری هستند که ساسانیان در دوره طولانی تاریخ ایران قبل از اسلام به آن شناخته شده است. از زمان اردشیر بابکان به عنوان یک موبد زاده و وابسته به معبد آناهیتای استخر در فارس علم عصمت علی، دودمان اشکانی برافراشت و توانست به نظام پراکنده شاهی و غیر متمرکز آنان، که در کتابهای عربی به نام ملوک الطوائفی از آن یاد شده است، پایان دهد و در تعقیب و اجرای این هدف دین زرتشتی را به عنوان وسیله‌ی اتحاد شاهنشاهی به کار گیرد و نظامهای دینی و سیاسی را در پیوند با هم قرار دهد، ضمن اینکه این سیاست در زمان وی به اتحاد شاهنشاهی انجامید، باعث گردید که خود سنتی شود که بعدها نیز دیگر فرمانروایان را به کار آید، و در ادامه دین و دولت را در پیوند با هم قرار دهد. بدین گونه، پیوند نظامهای سیاسی و دینی در شکل رسمی بودن دین زرتشتی و جاری بودن آن در کشور و همکاری روحانیان با شاهان تجلی یافت.

در این حال، روحانیان زرتشتی در داخل کشور بسیار متعصب بودند و هیچ دیانتی را در داخل کشور تجویز نمی‌کردند. دین زرتشت دیانتی تبلیغی نبود و رؤسای آن داعیه‌ی نجات و رستگاری

اینان بشر را نداشتند، اما در داخل کشور مدعی تسلط تام و مطلق بودند و پیروان سایر ادیان را، که رعیت ایران به شمار می آمدند، محل اطمینان قرار نمی دادند.

اردشیر بابکان چون اجدادش ریاست معبد آناهیتای استخر را بر عهده داشتند، و به یاری روحانیان زرتشتی توانسته بود دین زرتشتی را در ایران رسمی کند و به سلطنت برسد، بنابراین روحانیان زرتشتی نیروی بسیاری در ایران یافتند. در این دوره روحانیان زرتشتی را مغان می گفتند. موبدان زرتشتی وظیفه داشتند با دخالت در کارهای کشور به آن رنگ تقدس و دینی بخشد و همچنین حق داوری و انجام مراسم مذهبی و برگزاری جشنهای دینی را نیز بر عهده داشتند. ریاست عالی‌هی امور روحانی با موبدان موبد بود که سیاست کلی دین را تعیین و رهبری می کرد شاه در تمام کارهای دینی رأی او را خواستار می شد. روحانیان حتی یکی از مقتدرترین طبقات ایران را تشکیل دادند، چنانکه در رخی مواقع بر پادشاهان هم برتری یافتند. به همین سبب بود که از میان پادشاهان ساسانی تنها عده معدودی، همچون اردشیر بابکان، شاپور اول و قباد اول و خسرو اول در زمان حیاتشان ولیعهد خود را برگزیدند و دیگران هیچ یک جانشین خود را اختیار نکردند.

در موقعی که ساسانیان جانشین اشکانیان شدند، عیسویان مرکز تبلیغی مهمی در شهر الرها داشتند. چنان که می دانیم، دولت ایران در جنگهای بزرگی که با روم کرد، اسیران را در نواحی دور دست ایران مسکن می نمود. با سامان ایران در لشکرکشیهای خود به سوریه گاهی تمام سکنه‌ی یک شهر را در یکی از نقاط دالیه دور بکونت می دادند. چون قسمت اعظم این مهاجران عیسوی بودند، دیانت مسیح در هر گوشه ایران اندکی رواج یافت. تا زمانی که امپراتوری روم مسیحیت را به رسمیت نشناخته بود، عیسویان ایران نسبتاً در آرامش می زیستند، اما چون قسطنطین امپراتور روم به عیسویت گروید، وضع تغییر کرد. عیسویان ایران که به ویژه در نواحی مجاور سرحد روم بسیار بودند، مجذوب و فریفته دولت مقتدری شدند که هم کیش آنان بود. اگر چه هنوز در ایران مسیحیت تشکیلات رسمی به خود نداده بود، ولی توجه بسیاری از ایرانیان را به خود جلب کرده بود، و چون آیین مذکور نگرشی جهان شمول داشت، همواره می گرسید تا دین جهانی شود. بنابراین مسیحیت دینی بود که همه را به کیش خود دعوت می کرد.

به نظر می رسد با توجه به اینکه روحانیان زرتشتی و برخی از وزراء و شاهان ساسانی تعصب زیادی در دین زرتشتی داشتند و دیگر ادیان را باطل می دانستند، هر گونه انحراف از دین زرتشتی را گناهی بزرگ و نابخشودنی به شمار می آوردند و اجازه نمی دادند که دیگر ادیان با تبلیغات خود زرتشتیان را به طرف خود جذب کنند؛ و چون عیسویان ایران داعیه‌ی نگرشی جهان شمول داشتند و همواره می کوشیدند تا در جهان دین را گسترش دهند بنابراین همه را به کیش خود دعوت می کردند. با توجه به این شرایط، برخورد ساسانیان زرتشتی با آنان اجتناب ناپذیر می نمود.

در تحقیقاتی، از جمله ایران در زمان ساسانیان، تألیف پروفیسور آرتور کریستن سن، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، تألیف و.م. میلر، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان زیر نظر احسان یار شاطر، و تحقیقاتی دیگر به طور کلی و پراکنده در رابطه با مسیحیان ایران در زمان ساسانیان و رابطه‌ی آنها با یکدیگر اشاره‌هایی شده است. البته با توجه به اینکه ساسانیان با رسمی کردن دین زرتشتی نوعی حکومت سیاسی - دینی به وجود آوردند که قبل از آنها وجود نداشت و گردانندگان آن بسیار متعصب بودند، به طوری که هیچ دینی را در داخل کشور تجویز نمی کردند. با تأکید بر اینکه هیچ پایان نامه ای تحت عنوان بررسی عملکرد دولت ساسانی در برخورد با مسیحیت نوشته نشده، قصد بر این است که تا سر حد امکان و تا جایی که منابع در ارتباط با این موضوع موجود است، به صورت تخصصی و مفصل به تحقیق پرداخته شود.